



وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب



بررسی و مقایسه‌ی حوزه‌ی تربیت و یادگیری زبان‌های خارجی با اهداف کلان سند تحول بنیادین

شقایق حسین پور^۱، امیر حسین پور^۲

۱- دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان بندرعباس

sh1.hoseinpour@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی مهندسی معماری، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران

a.hoseinpour812@gmail.com

چکیده

با پیشرفت علم و همه‌گیری فناوری اطلاعات و ارتباطات نیاز به یادگیری زبان خارجی بیش از گذشته احساس می‌شود. بنابراین بسیاری از کشورها سعی بر آن داشته‌اند که برای حرکت در راستای جهانی شدن و تسهیل برقراری ارتباط میان انسان‌ها زبان خارجه را در نظام تعلیم و تربیت خود بگنجانند. در این مقاله سعی شده‌است قسمتی از سند برنامه درسی ملی مربوط به حوزه‌ی تربیت و یادگیری زبان‌های خارجی را با اهداف کلان سند تحول بنیادین مقایسه شود و به سوال پژوهشگران مبنی بر این که تا چه اندازه حوزه‌ی تربیت و یادگیری زبان‌های خارجی به اهداف کلان سند تحول بنیادین نزدیک است، پاسخ داده شود. در این پژوهش کتابخانه-ای از روش کمی استفاده شده‌است. پژوهشگران ابتدا مولفه‌هایی را از راهبردهای کلان سند تحول بنیادین استخراج کرده‌اند و سپس با حوزه تربیت و یادگیری زبان‌های خارجی سند برنامه درسی ملی مقایسه کرده‌اند. در این بررسی، ده مولفه استخراج شده‌است. بیشترین میزان فراوانی مربوط به مولفه‌ی خودباوری و کمترین میزان فراوانی مربوط به مولفه شجاعت است. با توجه به نتایج به دست آمده، در مواردی نیاز به بازبینی در سند برنامه درسی ملی وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: سند برنامه درسی ملی، سند تحول بنیادین، زبان‌های خارجی، زبان انگلیسی

مقدمه

زبان انگلیسی بیشترین کاربرد را برای نیل به اهداف کلان در دهکده‌ی نوین جهانی دارد (کیانی، نویدی‌نیا و مومنیان، ۱۳۹۰). نقش اصلی زبان ایجاد ارتباط میان جوامع است. اهمیت زبان با گسترش فناوری اطلاعات بیشتر شد. یادگیری زبان موجب افزایش تبادل علمی، رونق صنعت تجارت و ارتباط فرهنگی می‌شود (عنانی سراب، ۱۳۸۹). آموزش این زبان، زمینه را برای شناخت و انتقال میراث فرهنگی به صورت شفاهی، دیداری و نوشتاری در مبادلات بین فرهنگی فراهم می‌کند (سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹). در پی بیشتر شدن تعداد یادگیرندگان زبان انگلیسی، مسائل جدیدی در جهت سیاست‌گذاری برنامه درسی پدیدار شده- است (مکی، ۲۰۰۳؛ به نقل از کیانی، نویدی‌نیا و مومنیان، ۱۳۹۰). یکی از موضوعات اصلی در زبان شناسی کاربردی، بحث سیاست-گذاری در آموزش زبان خارجی می‌باشد زیرا دستاورد فردی و جمعی افراد را در سطح جهانی بهبود می‌بخشد (علوی مقدم و خیرآبادی، ۱۳۹۱). در ایران نیز سیاست‌گذاران آموزش، چندین برنامه‌های آموزشی را برای دستیابی به این مهم تدوین کرده‌اند. یکی از این برنامه‌ها تدوین سند برنامه درسی ملی است (کیانی، نویدی‌نیا و مومنیان، ۱۳۹۰).

مهر محمدی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان نقد و نظری بر نگاشت سوم سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، به نقد نگاشت سوم سند برنامه درسی با توجه به دو محور آزادسازی و تلفیق می‌پردازد. نتایج بررسی‌های ایشان نشان داد که ویراست سند برنامه درسی با توجه به دو محور یاد شده وضعیت مطلوب ندارد. حسنی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان نقد الگوی هدفگذاری سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، به نقد الگوی هدفگذاری در ویراست سوم سند برنامه درسی ملی در سه سطح مفهومی، سیستمی